

کمیته اقدام کارگری



پیش به سوی اتحاد عمل سراسری کارگری

ملاحظات به مقاله علیرضا خباز

در سایت «شبکه همبستگی کارگری» مقاله جالبی توسط دوست عزیز علیرضا خباز تحت عنوان «کمیته هماهنگی، پیش به سوی وحدت» توجه ام را جلب کرد. در ابتدا باید ذکر کنم این مقاله از نادر مقالاتی است که در وضعیت کنونی توسط یکی از فعالین کارگری ارائه داده شد که نشان دهنده حساسیت و احساس مسئولیت دوستان نسبت به مسایل کارگری امروز، است. من با ارزیابی این دوست مبنی بر وجود وضعیت افتراق و تشدد و راه حل عمومی ایشان توافق دارم. اما ملاحظاتی نیز دارم که می خواهم بدین وسیله با ایشان و سایر کارگران پیشرو به بحث بگذارم.

ملاحظه نخست این است که چرا خطاب "پیش به سوی وحدت" صرفاً به «کمیته هماهنگی» است؟ چرا این خواست وحدت طلبانه نباید خطاب به همه نهادهای کارگری مستقل از دولت، باشد؟ چرا مثلاً نباید از همه گرایشات کارگری صرفنظر از اعتقادات و نظریات و وابستگی های تشکیلاتی و سیاسی این دعوت را به عمل آورد؟ دوست عزیز علیرضا خباز توضیح نداده است که چرا این خواست شامل حال مثلاً «کمیته پیگیری» نمی گردد؟ ممکن است استدلال شود که «کمیته پیگیری» دارای گرایشات مماشات جویانه نسبت به دولت سرمایه داری است، و «کمیته هماهنگی» دارای گرایش رادیکال و «ضد سرمایه داری» یا «لغو کار مزدی» است. از اینرو بایستی در درون جبهه ضد سرمایه داری «وحدت» صورت گیرد. اگر این تحلیل درست باشد، در پاسخ به این استدلال باید ذکر کرد که:

اول، آیا کارگران در سطح جامعه این ارزیابی را قبول دارند؟ به عبارت دیگر آیا ماهیت مماشات جویی کمیته پیگیری برای تمام کارگران روشن و واضح است؟ و یا تنها در ذهن برخی از کارگران پیشرو این نظریات نقش بسته است؟

دوم، آیا در منظر همه کارگران رادیکالیسم «کمیته هماهنگی» به وضوح درک و تجربه شده است؟ به سخن دیگر، آیا تمام کارگران متقاعد شده اند که کمیته هماهنگی دارای خصلت ضد سرمایه داری است؟

سوم؛ آیا راه مبارزه با گرایشات مماشات جو، عدم دعوت آنها به همکاری در سطح عملی است؟ آیا انزوای سیاسی آن به طور خودبخودی به محو آنها از صحنه سیاسی منجر می گردد؟

بدیهی است که هیچ یک از این سوالات پاسخ یقینی ندارد. نه جمیع کارگران ایران به نظریات مماشات جویانه «کمیته پیگیری» پی برده اند، نه آنها اعتقاد به رادیکالیسم «کمیته هماهنگی» دارند و نه راه مبارزه با مماشات جویی طرد و کنارگذاری فیزیکی آنهاست.

پس از سال ها سرکوب و ارباب؛ امروز با آغاز تغییر تناسب قوا به نفع کارگران؛ ما شاهد حرکت هایی متشکل ضد سرمایه داری در میان آنها هستیم. حرکت هایی برای بازپس گرفتن حقوق اولیه شان و استحکام بخشیدن موقعیت از دست رفته شان. در چنین وضعیتی هنوز گرایشات سیاسی کارگری جایگاه خود را نیافته و عمدتاً عموم کارگران هنوز وارد کارزار و رودرویی مستقیم با دولت سرمایه داری نشده اند. از اینرو امکان گرایشات محافظه کار به عنوان سخنگویان جنبش کارگری نمایان می شوند. در چنین شرایطی در ذهن عموم کارگران وجه تمایز بین گرایشات «رادیکال» و «غیر رادیکال» هنوز تجربه نشده و آشکار نیست. اینها مشغله فکری برخی از کارگران پیشرو است. و این ذهنیات را کارگران پیشرو نمی توانند با طرح چند شعار رادیکال مانند «لغو کار مزدی» و همراه با شیوه حذف گرایانه، بر کل جنبش تحمیل کنند. این روش کار درستی نیست. این روش از برخورد، بر عکس منجر به تقویت گرایشات مماشات جو و انزوای هرچه بیشتر گرایش رادیکال می گردد. زیرا که در اذهان عموم کارگران این یک روش تحمیلی است که کارگران آمادگی پذیرش آنرا فعلاً ندارند.

البته باید ذکر شود که من نیز از لحاظ نظری نزدیکتر به دوستان «کمیته هماهنگی» بوده و همانند آنها اعتقاد دارم که گرایش حاکم بر «کمیته پیگیری» دارای انحرافات مماشات جویانه و فرقه گرایانه است. به نظر من نیز باید با گرایشات

سندیکالیستی و رفرمیستی در درون جنبش کارگری که خواهان حفظ وضعیت موجود برای کسب خرده نانی از سرمایه داری است، مقابله شود. اما کماکان با شیوه کار دوستان «کمیته هماهنگی» توافق ندارم.

نظر به اینکه فراخوان «وحدت» تنها به «کمیته هماهنگی» خود می تواند یک عمل فرقه گرایانه تلقی گردد، به نظر من برای اتحاد باید روی سخن به تمام گرایشات موجود صرف نظر از اختلافات سیاسی و تشکیلاتی باشد (فقط نهادهای وابسته به دولت مانند خانه کارگر و شورای اسلامی کار باید کنار گذاشته شوند).

ملاحظه دوم اینست که دوست عزیز علیرضا خباز در مورد «وحدت» کارگران سخن به میان می آورد. در اینجا باید روشن شود که «وحدت» سیاسی یا تشکیلاتی در میان کارگران بدون سپری شدن یک روند از تبادل نظر و همکاری مشترک عملی؛ پیشنهاد غیر واقعی است. برای نمونه برخی از دوستان مدتی است که صحبت از وحدت یا ایجاد تشکل مستقل کارگری ضد سرمایه داری بر اساس شعار «لغو کار مزدی» به میان آورده اند. این قبیل پیشنهادات متاسفانه در شرایط کنونی طرح های تخیلی و غیر قابل تحقق است. طبقه کارگر نمی تواند به صورت یکپارچه و یا بخشاً، پیش از زمینه ریزی نظری و عملی وارد «وحدت» سیاسی و تشکیلاتی بر محور یک برنامه مشخص گردد، که در میان همه ناروشن بوده و یا حداقل تبادل نظری در میان بخش وسیع کارگران صورت نگرفته باشد.

ما باید خواهان ایجاد یک «اتحاد عمل سراسری» بر محور یک سلسله مطالبات مورد توافق باشیم، و نه «وحدت» یا ائتلاف سیاسی و تشکیلاتی. ما باید در ابتدا میادرت به ایجاد یک اتحاد عملی کنیم که وسیعترین بخش کارگری علیه اجحافات دولت سرمایه داری، را بسیج کند. مطالباتی نظیر: مبارزه علیه تورم و بیکاری، لغو اسرار معاملاتی و استقرار کنترل کارگری، مبارزه برای آزادی های دموکراتیک (حق بیان؛ حق اعتصاب؛ حق تجمعات کارگری و آزادی مطبوعات کارگری؛ تشکلات مستقل کارگری و غیره). این مطالبات می تواند مورد توافق اکثر گرایشات کارگری ضد دولتی باشد.

در درون این اتحاد عمل البته گرایشات رادیکال با طرح و مبارزه برای پیشبرد فعالیت های ضد سرمایه داری قادر به افشا بیشتر گرایشاتی خواهند بود که خواهان مماشات با دولت سرمایه داری هستند. در واقع ساختن یک «جبهه واحد کارگری» یا «اتحاد عمل» بر اساس مطالبات عام ضد سرمایه داری، در عین حال به مفهوم صحنه مبارزه ای علیه گرایشات راست کارگری است. بدیهی است که پس از دوره ای مبارزات مشترک ضد دولت سرمایه داری؛ گرایشات رادیکال نه تنها متحدان خود را در عمل می یابند که در سطح توده ای رادیکالیزم خود را میان بخش های وسیعی از کارگران به نمایش می گذارند. تنها در چنین وضعیتی است که می توان به تشکیل یک تشکیلات کارگری خاص علیه گرایشات مماشات خود دامن زد.

ملاحظه سوم، تشتت و افتراق در میان کارگران همواره وجود داشته است. این امر ریشه در حضور عینی دولت سرمایه داری دارد. دولت سرمایه داری و نهادهای وابسته به آن از طریق این افتراق در میان کارگران به استثمار آنها دامن می زنند. اما برای مقابله با افتراق، کارگران پیشرو که در صف مقدم جبهه ضد سرمایه داری قرار گرفته اند؛ آگاهانه نه تنها با مماشات جویی بلکه با فرقه گرایی و باندبازی و نان قرض دادن ها (که از عوارض مخرب نظام سرمایه داری است) مقابله کنند (مقاله دوست عزیز علیرضا خباز آغاز چنین روندی را نشان می دهد). بدیهی است زمانی که رهبران عملی کارگران در مبارزه با فرقه گرایی پیشقدم شوند و خود سنت دموکراتیک را بنا نهند؛ بدنه کارگری نیز خود را هماهنگ می کند. پذیرش حق گرایش و محترم شمردن نظریات مخالف می تواند اساس ایجاد یک اتحاد عمل سراسری باشد.

مهدی ریاضی (فعال کمیته اقدام کارگری) mehdi_riazi@hotmail.com

۱ خرداد ۱۳۸۴

مسایل نظری شماره ۱۳

باز تکثیر از: «کمیته اقدام کارگری» (ایران)

pishroo@fastmail.fm

<http://iwsn.topcities.com/eghdam.htm>